

تحلیل فقهی تقابل ادله احترام به والدین با ادله دفاع مشروع فرزند در برابر تهاجم

پدر^۱

علمی - ترویجی

رضا رهبر*

احسان آهنگری*

چکیده

از جمله امور ضروری و مطلوب نزد تمام انسان ها، دفاع از خود هنگام مواجهه با خطر است که شرع نیز بر آن صحه گذاشته و به عنوان دفاع مشروع آن را پذیرفته است.

خطر مذکور اگر توسط والدین به فرزند متوجه شود ادله ی دفاع مشروع با ادله ای که احترام پدر و مادر را توسط فرزندان لازم می دانند تعارض پیدا می کند چرا که در برخی از مراتب دفاع ممکن است فرزند ناچار به اسائه ادب یا تعرض یا جرح و ضرب مهاجم شود و این امور با احترام والدین سازگار نمی باشد.

جهت رفع این تعارض، عده ای ادله ی دفاع مشروع را مقدم دانسته و دلائلی بیان کرده اند و متقابلاً عده ای ادله احترام والدین را مقدم دانسته و با ارائه ادله ای آن را تاکید نموده اند.

پس از بررسی ادله طرفین این نتیجه حاصل شده که با استناد به ارتکاز متشرعه و شهرت و کثرت ادله احترام والدین، لزوم حفظ حرمت والدین و تقدم آن بر ادله ی دفاع مشروع قابل قبول می باشد.

کلیدواژه ها: دفاع مشروع، احترام والدین، تهاجم، قتل، تعدی

۱- تاریخ وصول: (۱۴۰۲/۱۱/۲۱) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۳/۰۸/۰۲)

* دکتری، گروه فقه و حقوق جزا، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) rezarahbar1378@yahoo.com
* استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران، ehsanahangari@gmail.com

۱- مقدمه

دفاع در برابر تهاجم امری پسندیده و دارای پشتوانه فطری و عقلی است و از ضروریات فقه اسلام است و فقه‌های اسلام بر ضرورت آن تأکید کرده‌اند. دفاع از جان، مال، حریم خود و خانواده، وطن، شرف، ملیت و استقلال کشور از مقولات مقدس و مورد اتفاق همه انسان‌ها و همواره مورد توجه اسلام و آموزه‌های دینی است و از آن به دفاع مشروع یا جهاد دفاعی یاد می‌شود که با تحقق شرایط آن، لازم است بدان اقدام شود.

فقه‌ها در کتب فقهی خود به تناسب اشاره‌ای به ضرورت دفاع کرده‌اند.

صاحب جواهر می‌گوید:

«دفاع بر هر کس که بر جان خود بیمناک است در هر حال واجب است.» (نجفی، ۱۴۱۲، ۴۵۶/۴۲)

وی در جایی دیگر می‌نویسد:

«برای دفع مهاجم اگر هیچ راهی غیر از کُشتن وی وجود نداشت در اینصورت می‌توان او را کُشت و در چنین حالتی خون مهاجم هدر است و دیه‌ای بر مدافع تعلق نمی‌گیرد.» (نجفی، ۱۴۱۲، ۴۲/۴۶۲)

امام خمینی (ره) در کتاب «تحریر الوسیله» (۱۳۶۸، ۵۵۱/۱) می‌گوید:

«اگر دشمنی بر بلاد مسلمین هجوم آورد بر مسلمین واجب است که از آن به هر وسیله‌ای که ممکن است با بذل مال و جان دفاع نمایند، گوهر وجود و جان انسان، با ارزش‌ترین دارایی انسان است که در حفظ آن باید بکوشد و با هر وسیله‌ای که می‌تواند واجب است از خود دفاع کند»

اطلاق ادله دفاع مشروع مقتضی آن است که در برابر هر گونه مهاجمی، امکان دفاع وجود دارد و لو اینکه مهاجم پدر شخص مدافع باشد و این بدان معنا است که اگر در طی مراحل دفاع، فرزند فقط از طریق کُشتن پدر بتواند از خود دفاع کند این امر از نظر شارع بلا مانع است.

دفاع در برابر پدری که مهاجم است و دفع او بر مبنای قاعده «الأسهل فالأسهل» و در نهایت جواز کُشتن پدر، با ادله لزوم احترام به والدین حتی اگر ظالم باشند منافات دارد.

احترام به والدین و نیکی کردن به آنان از مهم‌ترین آموزه‌های دین اسلام است که در آیات متعدد پس از امر به توحید، به احسان به والدین سفارش شده است.

با توجه به اطلاق ادله دفاع مشروع و عنایت به ادله لزوم احترام به والدین، در موردی که مهاجم، پدر مدافع است این سؤال مطرح می‌شود که در تعارض بین این دو دلیل، کدامیک مقدم بوده و باید مورد تمسک فرزند قرار گیرد؟

*روش تحقیق

این نوشتار از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای از طریق جمع‌آوری و تحلیل

داده‌ها با رویکردی تطبیقی بهره خواهد جست. در گردآوری مطالب این پژوهش علاوه بر آثار مکتوب پژوهشی، از سامانه‌ها و نرم‌افزارها نیز بهره‌گیری خواهد شد.

مطالعه تطبیقی نوعی روش بررسی است که در آن پدیده‌ها یا نظریات «که در این پژوهش مطرح است» را در کنار هم نهاده و به منظور یافتن نقاط افتراق و تشابه، آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند. البته نباید مطالعه تطبیقی را به تبیین نکات اشتراک و افتراق فروکاست؛ بلکه در سایه این مقایسه، تبیین کلی از مبانی، ابعاد و آثار و پیامدهای هر کدام نیز ارائه می‌شود.

*نواوری و جنبه جدید بودن تحقیق:

مساله دفاع مشروع، همواره فارغ از اینکه مهاجم چه کسی باشد، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. لکن این فرض که اگر مهاجم پدر، باشد، با وجود آنکه خصوصیت دارد، در پژوهش‌های فقهی و حقوقی مغفول واقع شده است. بررسی نسبت میان ادله دفاع مشروع و ادله معافیت پدر از قصاص، امری است که در خور بررسی دقیق بوده و لازم است برای تبیین هرچه دقیق تر مرزهای دفاع مشروع از منظر فقهی، امکان دفاع در برابر پدر را مورد مطالعه قرار داد.

۱- تعریف دفاع مشروع

کلمه «دفاع» از ریشه ی «دَفَعَ يَدْفَعُ» می باشد؛ اهل لغت برای این واژه معانی مختلفی ذکر کرده اند:

۱- دور کردن و راندن با قوت (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۹۵/۲)

در قرآن کریم نیز خداوند در آیه ۲۵۱ سوره بقره^۱ نیز واژه دفع را به همین معنا به کار برده است

۲- برگرداندن و رد کردن چیزی؛ مانند آنکه شخصی بگوید: «دَفَعْتُ الْعَارِيَةَ إِلَى صَاحِبِهَا»

۳- سفر کردن و کوچ کردن؛ مانند آنکه شخص بگوید: «دَفَعْتُ عَنِ الْمَوْضِعِ» (مصباح المنیر، ۱۴۱۲، ۱۹۶/۱)

۴- حمایت کردن؛ واژه دفاع بدین معنا نیز توسط خداوند در قرآن کریم ذیل آیه ۳۸ سوره حج^۲ استعمال شده است.

از بین این معانی آنچه با موضوع بحث ما تناسب دارد معنای اول و چهارم است زیرا فرض بر این است که در برابر تعدی دیگری دفاع می شود و قصد دور کردن مهاجم در میان است و بدین وسیله حمایت از خود و حفظ جان محقق خواهد شد.

در باب تعریف اصطلاحی دفاع مشروع به تعاریف زیر می توان اشاره کرد:

^۱ وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ
^۲ إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا

۱- دفاع شرعی عبارت است از «حمایت کردن از نفس یا حق یا عرض خود یا دیگران در مقابل هر متجاوز غیر مشروع که با قوت لازم تجاوز او را دفع کند». (عوده، بی تا، ۴۷۳/۲)

۲- جناب آقای عطار، نویسنده کتاب «التجاوز و الدفاع الشرعی» معتقدند که دفاع شرعی عبارت است از:

«اعمال قوه لازم برای مقاومت در مقابل خطری نامشروع وبالفعل یا در شرف وقوع که حقی از حقوق مورد حمایت قانون را تهدید می کند» (عطار، ۱۴۱۲، ۱۲۶)

۳- در تعریفی دیگر بیان شده که دفاع مشروع عبارت است از اینکه «شخص مورد تجاوز در صورت نداشتن وقت برای توسل به قوای دولتی به منظور رفع تجاوز حق دارد به نیروی شخصی از ناموس و جان و مال خود دفاع کند». (لنگرودی، ۱۳۷۷، ۳۰۴)

از مجموع تعاریف یاد شده می توان عناصر زیر را برای تحقق مفهوم دفاع مشروع بر شمرد:

۱- تجاوز شخص مهاجم باید غیر قانونی باشد؛ بنابراین در صورت قانونی بودن تهاجم حق دفاع برای شخص متهاجم وجود ندارد.

۲- خطر باید فعلیت داشته باشد و یا حداقل قریب الوقوع باشد؛ در نتیجه دفاع کردن در برابر تهاجمی که در گذشته اتفاق افتاده بی مبنا خواهد بود. (ابهری و فرزندگان و ظهوری، ۱۳۹۶، ۴)

۳- انجام دفاع ضرورت داشته باشد؛ بدین ترتیب در صورتی که امکان توسل به قوای انتظامی وجود داشته باشد دیگر توسل به دفاع مشروع و ایراد ضرب و جرح جایز نخواهد بود.

۲- مستندات دفاع مشروع

بر ضرورت دفاع مشروع و جواز آن ادله فراوانی از نقل و عقل وجود دارد که به نحو اختصار به آنها اشاره می شود:

۲-۱: آیات

۲-۱-۱: آیه تشریح دفاع

خداوند تبارک و تعالی در آیه ۳۹ و ۴۰ سوره حج می فرماید:

«به کسانی که همواره و مظلومانه مورد تهاجم و قتل عام قرار گرفته‌اند، اجازه دفاع وجهاد داده شده است و البته خداوند بر یاری آنان قادر است. (مظلومان مورد تهاجم) کسانی هستند که به ناحق از خانه و کاشانه‌ی خود رانده شدند (و گناهی نداشتند) جز این که می گفتند: پروردگار ما خدای یکتا است و اگر خداوند (ظلم و تجاوز) بعضی از مردم را به وسیله‌ی بعضی دیگر دفع نکند، صومعه‌ها و کنیسه‌ها و کلیساها و مساجدی که نام خداوند در آنها بسیار برده می‌شود ویران می‌گردد، و قطعاً خداوند کسی که

(دین) او را یاری کند، یاری می‌دهد، همانا خداوند نیرومند شکست ناپذیر است»^۱
این آیات اولین آیاتی است که در تشریح دفاع وارد شده و اذن به دفاع داده است. خداوند در این آیات به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده اجازه جهاد (برای دفع ظلم و تعدی) داده است. از تعلیل مذکور در آیه (بانهم ظلموا) که مقتضای آن تعمیم است برداشت می‌شود که دفاع برابر تهاجم، حق مشروع همه ی مظلومان و ستم دیدگان است حتی اگر غیر مسلمان باشند. در ادامه آیه به فلسفه تشریح جهاد دفاعی اشاره شده که برای حفظ موجودیت خود و حراست از اعتقادات دینی و مراکز عبادی خود باید به دفاع پرداخت و این امر اختصاص به مسلمانان ندارد بلکه حق دفاع در همه ادیان آسمانی رسمیت دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۱۳/۱۴)

۲-۱-۲: آیه دفاع از مستضعفین

در آیه ۷۸ سوره مبارکه نساء در ارتباط با لزوم دفاع از مستضعفان خداوند متعال می‌فرماید: «شما را چه شده که در راه خدا و (در راه نجات) مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید، آنان که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که مردم اش ستمگر هستند بیرون ببر و از جانب خود رهبر و سرپرستی برای ما قرار ده و از سوی خودت، یآوری برای ما تعیین فرما.»^۲
آیه درباره‌ی مسلمانانی است که زیر فشار و شکنجه‌ی مردم مکّه قرار داشتند و از کسانی که جهاد در راه آزادی آنان را رها کرده‌اند، نکوهش می‌کند. در واقع اسلام علاوه بر اینکه قائل است که مظلوم میتواند از خود دفاع کند همچنین معتقد است که در برابر ظالمان نیز باید از مظلوم دفاع کرد.
در این آیه خداوند در مقام توبیخ کسانی است که به دفاع از مظلومان اقدام نمی‌کنند بنابراین از منظر آیه کریمه اصل دفاع در برابر تجاوز مسلم است و چنانچه شخص متهاجم بتواند از خود دفاع کند بر دیگران واجب نیست اما زمانی که فرد قادر به دفاع کردن از خود نیست و به اصطلاح آیه «مستضعف» می‌باشد در اینصورت بر دیگر مسلمین واجب است که از حقوق وی دفاع نمایند.
در نتیجه در مساله ما نحن فیه، چنانچه فرزند خود قادر به دفاع در برابر تهاجم پدر باشد بر وی واجب است که از حقوق و جان خود دفاع نماید و در صورتی که امکان و قدرت این کار را نداشته باشد در اینصورت بر سایر افراد جامعه واجب است که از فرزندی که مورد حمله واقع شده است به جهت «مستضعف» واقع شدن وی از او دفاع نمایند.

۲-۲: روایات

شیخ حر عاملی روایات مربوط به دفاع را در ابواب مختلفی از کتاب وسائل الشیعه نقل کرده است؛ از

^۱ «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَبِئْسَ الْقَوْمُ الْكَافِرِينَ»

^۲ «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمُ أُمَّهَاتُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»

جمله در باب های مربوط به جهاد با دشمن (حر عاملی، بی تا، ۱۱۹/۱۵) حد محارب (همان، ۳۲۰/۲۸) دفاع (همان، ۳۸۱/۲۸) قصاص (همان، ۵۹/۱۹) موجبات ضمان (همان، ۲۳۹/۲۹) و... . صاحب جواهر، علاوه بر روایات خاص مربوط به دفاع، به عموماتی استدلال کرده است که بر لزوم فریادری افرادی که مورد تجاوز قرار گرفته اند دلالت می کنند یا عموماتی که اعانت ضعیف را بهترین صدقه معرفی کرده اند. (نجفی، ۱۴۱۲، ۴۱/۶۵۰)

ما برای رعایت اختصار به ذکر چند نمونه از روایات اکتفا می کنیم.

۲-۲-۱: معتبره غیاث بن ابراهیم از امام صادق (ع)

در این معتبره غیاث بن ابراهیم، از پدر بزرگوارش حدیثی را از امام صادق (ع) در ارتباط با لزوم دفاع در برابر متجاوزین نقل کرده است:

«هر گاه مردی بر تو وارد شد و قصد شومی در مورد خانواده ات یا اموال ات داشت، اگر توانایی داری در ضربه زدن به او پیش دستی کن، زیرا دزد با خدا و رسولش در حال جنگ است. و اگر از این ضربه بر او چیزی برسد به گردن من است.» (حر عاملی، ۱۴۱۷، ۲۸/۳۲۳)

در این روایت امام (ع) شخص مهاجم را به سبب تعدی و تجاوزی که به حریم و اموال دیگران نموده است، مهدور الدم دانسته و به شخص متهاجم این اجازه را داده است که به دفاع از خود اقدام نماید. ممکن است اشکال شود که روایت مزبور نمی تواند دلالت بر جواز دفاع مشروع باشد چرا که از جمله شرایط لازم جهت مشروعیت دفاع، فعلیت داشتن تعدی و تجاوز است حال آنکه امام (ع) در روایت به تصریح شخص مدافع را به دفاع پیش دستانه ترغیب و تشویق می نماید.

در پاسخ به این اشکال باید گفت که در روایت مذکور فرض آن است که تعدی و تجاوز فعلیت یافته و قرینه بر این امر ورود بدون استیذان شخص متجاوز به منزل مدافع است و از طرفی همان گونه که در تعریف دفاع مشروع ذکر شد یکی از شرایط لزوم دفاع، فعلیت و یا قریب الوقوع بودن تجاوز است. بدین ترتیب چنانچه از فعلی بودن تجاوز صرف نظر کنیم به دلالت عرف، تعدی و تجاوز قریب الوقوع بوده و شرع نیز اجازه به دفاع در چنین مواقعی را به شخص مدافع داده است. بنابراین هیچ گونه منافاتی میان روایت مزبور با عناصر دخیل در تحقق مفهوم دفاع مشروع وجود نخواهد داشت.

۲-۲-۲: روایت منقول از امام صادق (ع)

شیخ طوسی در کتاب «تهذیب الأحکام» روایتی را از امام صادق (ع) بدین مضمون نقل می کند:

«همانا خداوند بر انسانی که سارقی وارد منزل وی شده است اما او اقدام به دفاع و پیکار با وی نمی کند خشمگین است.»^۱

بر اساس این روایت امام از شخصی که در برابر تهاجم سارق به خانه و اموالش دفاع نمی کند سرزنش

^۱ «إِنَّ اللَّهَ لَيَمَقُّتُ الْعَبْدَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ اللَّصُّ فِي بَيْتِهِ فَلَا يُقَاتِلُ» (شیخ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۱۵۷، ح ۲۸۰)

کرده است و می‌فرماید که چنین کاری مستحق عقوبت الهی است. با استناد به این روایت می‌توان گفت که قطعاً خداوند متعال از فردی که دزد وارد خانه اش میشود و به مقابله با او برنمی‌خیزد متنفر است. این تنفر و دشمن بودن خداوند با چنین کسی به معنای تحریک و بعث مکلف برای دفاع می‌باشد؛ به دیگر سخن، عبارت مزبور با آنکه جمله خبری است اما این جمله خبری در مقام انشاء و نهی بوده و دلالت بر حرمت دارد.

عبارت «فی بیه» بیانگر مقید بودن روایت نیست بلکه از باب غلبه اکثر است به این معنا که غالب سرقت‌ها در خانه افراد صورت می‌گیرد نه اینکه این قید مدخلیتی داشته باشد، بدین ترتیب حکم مذکور در روایت مطلق است و شامل هر نوع تعدی و تهاجمی را می‌شود و زمان و مکان و نوع خاصی از تعدی مدخلیتی ندارد.

۲-۳: فطری بودن دفاع

علامه طباطبایی در توصیف وجه فطری دفاع مشروع اینگونه بیان می‌دارد:

«دفاع مردم از منافع حیاتی خود و حفظ استقامت وضع زندگی، سنتی است فطری که در میان مردم جریان دارد» (طباطبایی، ۱۳۵۸، ۲۶۵/۲۷) این گرایش فطری، چنان بر روح فرد و جامعه تسلط دارد که نه تنها شخص مورد تجاوز در برابر شخص متجاوز، حق دفاع و مقابله به مثل را برای خود محفوظ می‌داند، بلکه دیگران و وجدان جامعه نیز این حق را به او می‌دهند. به عبارت دیگر سیره عقلاء که منشأ حجیت آن حکم عقل و فطرت است از ابتدا خلقت تا به اکنون هر گونه تعدی و تجاوزی را مذموم و فاعل آن را تقبیح و به شخص متهاجم نیز حق دفاع از خود و حریم خانواده و... را می‌دهد بلکه بالاتر در صورت عدم دفاع از خویش در برابر تعدیات غیر، عقلاء این فرد را نیز همچون شخص متعدی مستحق تقبیح و ذم می‌دانند.

۲-۴: ضرورت عقلی دفاع

محقق سبزواری در باب ضرورت عقلی دفاع مشروع در کتاب «مذهب الاحکام» مینویسد:

«دفاع از جان و مال و عرض یک ضرورت عقلی است به گونه ای که سیره عقلاء بر این مطلب دلالت دارد که در برابر تجاوز بی رحمانه باید دفاع کرد و سکوت جایز نیست.» (سبزواری، ۱۴۱۳، ۱۵۶/۲۸-۱۵۸)

در باب لزوم دفاع از جان و مال و آبرو خویش نه تنها عقل حکم به چنین لزومی می‌دهد بلکه می‌توان ادعا نموده مطابق با قاعده عقلی «دفع ضرر محتمل» شخص مدافع می‌تواند در صورت قریب الوقوع بودن تعدی و تجاوز اقدام به دفاع از خویش نماید.

۳- مستندات لزوم احترام به والدین

۳-۱: آیات

قرآن کریم در موارد متعدد سخن از احترام والدین به میان آورده است، نکته جالب توجه آن که در تمامی این آیات احترام به والدین دقیقاً بعد از توحید و عدم شرک ورزی به ذات حق تعالی مطرح شده است و این نشان از اهمیت این مطلب نزد خداوند دارد. ذیل به برخی از آیات اشاره خواهد شد.

۳-۱-۱: آیه ۲۳ و ۲۴ سوره اسراء

«و پروردگارت فرمان قاطع داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هرگاه یکی از آنان یا دو نفرشان در کنارت به پیروی رسند [چنانچه تو را به ستوه آورند] به آنان اُف مگوی و بر آنان [بانگ مزین و] پرخاش مکن، و به آنان سخنی نرم و شایسته [و بزرگواری] بگو. و برای هر دو از روی مهر و محبت، بال فروتنی فرود آر و بگو: پروردگارا! آنان را به پاس آنکه مرا در کودکی تربیت کردند، مورد رحمت قرار ده.»^۱

طبق آیات مزبور احترام به والدین و تواضع در برابر آنها لازم بوده و گفتن «اُف» به پدر و مادر که کمترین حالت بیزاری انسان از چیزی است، منع شده است، بنابراین چنانچه گفتن چنین کلمه ایی از سوی شارع منع شده باشد به طریق اولی دشنام و اذیت و ایراد جراحت بر آنها و کُشتن آنها مورد نهی شارع قرار گرفته است.

آنچه این آیه را از سایر آیات مشابه متمایز می سازد آن است که به صورت صریح و واضح به ذکر مهم ترین مصادیق «احسان به والدین» می پردازد که عبارتند از:

۱- پرهیز از کمترین واکنش منفی و توهین و هتک حرمت (فلا تقل لهما اُف)

۲- طرد نکردن والدین (فلا تنهرا هُما)

۳- سخن کریمانه با آنان (و قل لهما قولاً کریماً)

بنابراین بر فرزند واجب است که به حکم وجوب مستفاد از آیه (قضی ربک) تمامی مصادیق ذکر شده را در مورد پدر و مادر خویش به صروت مطلق (چه مسلمان باشد چه نباشد) رعایت نماید.

۳-۱-۲: آیه ۱۵ سوره لقمان

لزوم احترام والدین و مصاحبت به معروف با آنها در همه حال وجود دارد حتی اگر فرزند را دعوت به شرک کنند که در اینصورت نیز طبق نص قرآن با رعایت احترام والدین نباید این دعوت را اطاعت و

^۱ «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»

اجابت نمود. خداوند حکیم در این زمینه در آیه ۱۵ سوره مبارکه لقمان می فرماید: «و اگر آن دو نفر تلاش کنند تا بر پایه جهالت و نادانی [و بدون معرفت و دانش که روشنگر حقایق است] چیزی را شریک من قرار دهی، از آنان اطاعت مکن؛ ولی در دنیا با آن دو نفر به شیوه ای پسندیده معاشرت کن»^۱

در آیه شریفه آنچه که محل نظر است آن است که فرزند می بایست احترام پدر و مادر خویش را در هر حالتی رعایت کند، اما این احترام نباید به گونه ای صورت بگیرد که معارض با احترام به دستورات و فرامین الهی باشد؛ به سخن دیگر، یکی از مصادیق مسلم احترام به والدین، اطاعت پذیری فرزند از فرامین آنان می باشد، حال در صورتی که پدر و مادر دستور به شرک ورزیدن فرزند به خداوند متعال شوند در اینجا اطاعت پذیری، به عنوان یکی از مصادیق لزوم احترام منتفی بوده و نباید اوامر والدین در این مورد اطاعت گردد. علت این امر نیز بدان جهت است که لزوم اطاعت از والدین در طول اطاعت پذیری از خداوند می باشد و هیچ امری توانایی معارضه با دستورات ذات الهی را نخواهد داشت؛ و می توان اینگونه نیز بیان داشت که از آنجا که لزوم اطاعت از والدین دستور خداوند بوده است بنابراین چنانچه پدر و مادری فرزند خویش را امر به شرک ورزیدن به خداوند کنند در اینصورت خداوند از آن جهت که معطی این حق (اطاعت پذیری فرزند از پدر و مادر) بوده است می تواند خود نیز این حق را در صورت سوء استفاده از آن بستاند. اما این امر نافی لزوم احترام فرزند در سایر مصادیق احترام نیست و می بایست فرزند همواره به والدین خود احترام و معاشرت حسنه داشته باشد.

۳-۲: روایات

روایات در باب لزوم احترام به والدین بسیار است که به جهت اختصار به برخی از آنان اشاره می شود:

۳-۲-۱: روایت حسین بن علوان

«مردی از پیامبر اکرم (ص) درخواست نصیحت کرد. پیامبر (ص) فرمودند که من تو را به عدم شریک قرار دان برای خداوند و عدم عصیان نافرمانی از پدر و مادر نصیحت می کنم»^۲ (حرّ عاملی، ۱۴۱۷، ۱۸۸/۱۶)

این روایت دال بر حرمت عصیان و نافرمانی از والدین دارد؛ ممکن است ادعا شود که فعل «أوصنی» ظهور در وجوب ندارد بلکه بیشتر به نصیحت شبیه است، البته اگر پیامبر تعبیر به «أمرک» می کردند، درست بود، ولی سفارش کردنی که در جواب «أوصنی» است، ظهور در وجوب ندارد.

^۱ «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا»

^۲ «الحسين بن سعيد في كتاب الزهد عن الحسين بن علي الكوفي عن عمرو بن خالد عن زيد بن علي عن أبيه عن أبي (ص) أنَّ رجلاً قال له أوصني فقال أوصيك أن لا تشرك بالله شيئاً ولا تعص والدك»

در پاسخ این شبهه می توان گفت که بنابر اجماع مسلمین، شرک به خداوند تبارک و تعالی حرام و عدم شریک قائل شدن برای وی واجب می باشد بنابراین از اینکه بلا فاصله بعد از عدم شرک به خداوند، مسأله عدم نافرمانی از والدین مطرح می شود این نشان از وجوب دارد و بنابراین فعل «أوصنی» در روایت مذکور دلالت بر وجوب دارد.

۳-۲-۲: روایت امیر المومنین (ع) در نهج البلاغه (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹)

« همان برای فرزند بر پدر حقی است و متقابلاً نیز برای پدر بر فرزند حقی می باشد؛ حق پدر بر فرزند این است که فرزند دستورات وی را در تمامی موارد اطاعت کند مگر در موارد عصیان الهی.»^۱

روایت مذکور دال بر وجوب اطاعت از والدین می کند زیرا که امام (ع) در مقام بیان و انشاء بوده و فعل مضارع (أَنْ يُطِيعَهُ) را استعمال کرده است و طبق نظر مشهور اصولیون استعمال خبری در مقام انشاء دال بر امر بودن فعل مذکور می باشد. (مظفر، ۱۳۸۳، ۱/۱۱۴)

البته وجوب اطاعت طبق روایت مذکور مطلق نبوده بلکه امام (ع) در آخر، وجوب اطاعت را بر عدم وقوع در معصیت الهی مقید کرده اند؛ بنابراین چنانچه اطاعت از والدین موجب ارتکاب معصیت (هر نوع معصیتی) شود در اینصورت وجوب اطاعت ساقط خواهد شد.

با تتبع در روایات متوجه خواهیم شد که برداشت مذکور از کلام امیر المومنین (ع) کاملاً مطابق با موازین شرع و کلام سایر معصومین (ع) می باشد زیرا که پیامبر اکرم (ص) و امام رضا (ع) نیز در روایاتی مشابه و با مضمون یکسان معتقدند که وجوب اطاعت از والدین تازمانی است که موجب عصیان شارع نشود. (مجلسی بی تا، ۷۴/۷۲)

۴- نسبت میان ادله دفاع و لزوم احترام به والدین؛ تعارض یا تراحم

با نگاهی اجمالی به ادله مشروعیت دفاع و ادله لزوم احترام به والدین می توان نکات زیر را استنباط کرد:

۱- آیات و روایات به نحو اطلاق دال بر جواز دفاع مشروع در برابر هرگونه مهاجمی می باشد و لَو اینکه مهاجم پدر شخص باشد.

۲- آیات و روایات به نحو اطلاق دال بر لزوم احترام به والدین و پرهیز از هرگونه توهین و ضرب و شتم آنان می باشد به گونه ایی که بنا بر قیاس اولویت هیچ فرزندی حق قتل والدین خود را نخواهد داشت.

بنابراین این ۲ دسته از ادله در موردی که فرزند مورد حمله توسط پدر خویش واقع گشته است اجتماع کرده و منشأ تعارض می گردد که در ادامه اقوال در جهت رفع این تعارض و ادله دال بر آن ذکر

^۱ « إِنَّ لِلْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا ، وَ إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ حَقًّا ؛ فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ »

خواهد شد.

قول اول: تقدم ادله دفاع مشروع

ادله دفاع مشروع بر ادله لزوم احترام به والدین تقدم داشته و محدوده ادله لزوم احترام را محدود به مواردی می‌کند که والدین قصد جان فرزند را نداشته باشند.

دلایل:

۱- آیه ۳۳ سوره اسراء^۱

این آیه شریفه به حرمت ریختن خون انسان به ناحق تصریح می‌کند. با استناد به این آیه در فرض مسأله به دلیل آنکه قتل پدر توسط فرزند به واسطه ادله دفاع مشروع قانونی و شرعی و بر سبیل حق می‌باشد جایز خواهد بود.

۲- اطلاق کلام فقهای امامیه در مورد جواز دفاع مشروع

ادله دفاع مشروع که بیانش گذشت مطلقند و دفاع در برابر هر مهاجمی را تجویز می‌کنند. در کلام فقها نیز چنین اطلاقی مشاهده می‌شود. صاحب جواهر در باب جهاد می‌گوید:

«و دفاع بر هر شخصی که از جان و مال و آبرو خود و یا جان یا مال یا آبرو انسان محترمی بیمناک است، واجب خواهد بود. البته {فرض دفاع از دیگری} در صورتی که احتمال حفظ سلامت خویش قوی باشد جایز خواهد بود»^۲ (نجفی، ۱۴۱۲، ۱۶/۲۱)

ایشان معتقدند که دفاع از جان بر کسی که خوف بر نفس خویش را دارد واجب است، از لحن و کلمات عبارات صاحب جواهر خصوصاً کلمه «خشی» فهمیده می‌شود که صرف احتمال عقلانی برای اثبات وجوب دفاع کافی می‌باشد.

همچنین با استفاده از کلمه «مطلقاً» نیز می‌توان قائل شد که شخص مدافع اجازه دفاع در برابر هرگونه حمله از سوی هر شخصی را دارا می‌باشد و فرقی ندارد که شخص مهاجم نسبت خانوادگی با وی داشته باشد یا نداشته باشد.

حضرت امام خمینی(ره) در مسأله ۱ از باب دفاع در جواز دفاع مشروع به صورت مطلق می‌فرماید:

مسأله ۱: «هیچ اشکالی در اینکه شخص به دفع تهاجم محارب و سارق و بپردازد و از

^۱ «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ»

^۲ «و کذا يجب الدفاع على كل من خشي على نفسه مطلقاً أو ماله أو عرضه أو نفس مؤمنة أو مال محترم أو عرض كذلك إذا غلب ظن السلامة»

جان و آبرو و اموالش محافظت نماید» (موسوی الخمینی، ۱۳۶۸، ۳۸۰/۱) بر اساس فتوای مذکور باید قائل شد که شخص مدافع در صورت تهاجم مهاجم حق دفاع از جان خود و اموال و نوامیس خود را دارد و ظاهراً طبق مبنای حضرت امام تفاوتی میان آنکه شخص مهاجم چه شخصی باشد نیست. چنانکه ایشان محدوده اشخاصی را که شخص مدافع می تواند بهدفاع در مقابل آنان بپردازد را محدود نکرده و این امر بیانگر آن است که امام(ره) در مقام تعیین ضابطه برای جواز دفاع می باشند و ضابطه مذکور آن است که شخص مورد حمله مهاجم قرار بگیرد و موارد مذکور در مساله از باب تمثيل می باشد و حصری نیست که قائل شویم صرفاً در این موارد شخص مدافع حق دفاع دارد. بنابراین در صورتی که پدر قصد تهاجم به فرزند خویش را داشته باشد فرزند با رعایت تناسب حق دفاع را دارا می باشد

۳- قاعده اقدام

بر اساس قاعده مزبور هرگاه شخصی با علم و آگاهی، مرتکب فعلی شود که موجب ورود ضرر و زیان توسط دیگران به او گردد، واردکننده زیان، که شخص دیگری است، مسئول خسارت نخواهد بود. فقها عدم مسئولیت واردکننده زیان را مستند به «اقدام» دانسته اند؛ فلذا در صورتی که از جانب فعل ارتكابی به خودش ضرری وارد شود به خاطر عملکرد خود بوده و کسی مسئولیت نخواهد داشت. این قاعده در میان فقها بیشتر در امور مدنی به کار رفته و از اسباب زوال مسئولیت مدنی به شمار آمده است. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۲۱۱/۱) لکن باید در نظر داشت که ملاک این قاعده در امور مدنی و کیفری واحد است. یعنی همان مبنایی که سبب می شود اقدام به زیان در امور مدنی مسئولیت مدنی را مرتفع سازد، در امور کیفری نیز مسئولیت کیفری را رفع می کند. در حقیقت در اقدام به زیان در امور مالی و مدنی، اینکه مالک، احترام مال خود را با اقدام به زیان از بین برده است، موجب آن گردیده که خسارت وارد کننده مسئولیتی نداشته باشد. در امور کیفری نیز همین مبنا را می توان اتخاذ کرده و معتقد شویم احترام جان هر کس با اقدام به ضرب و جرح دیگری از بین می رود. لذا دفاع در برابر وی مجاز بوده و می توان به هر نحوی -حتی قتل مهاجم- از خود دفاع نمود. در این مبنا تفاوتی میان اینکه تهاجم از سوی چه کسی آغاز شده باشد، نیست. در واقع چه تهاجم از سوی پدر باشد یا غیر او، در هر حال حرمت جان و جسم او، بدین وسیله از بین رفته و ضرب و جرح او در این وضعیت، از سوی فرزند مانع شرعی نخواهد داشت.

۴- قاعده لا ضرر

چنانچه حکمی از احکام شریعت منجر به ورود ضرر به مکلفین شود بنابر قاعده مزبور حکم ضرری منتفی خواهد شد. در واقع در این حالت، قاعده لاضرر بر دلیل آن حکم، حکومت داشته و حکم مذکور در این وضعیت منتفی خواهد بود. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ۴۶۰/۲) از سوی دیگر ادله لاضرر از زمره ادله امتنانی خوانده شده است. (امام خمینی، ۱۴۱۴، ۸۹؛ سبحانی، ۱۳۸۲، ۱۰۷/۳) امتنانی بودن یک دلیل به معنای آن است که این دلیل از سویی برای تخفیف و تسهیل مکلفان در نظر گرفته شده است و از سویی جریان یک دلیل امتنانی نباید برای یک نفر لطف و امتنان بوده و برای دیگران موجبات ضرر و زیان را فراهم سازد. قاعده لاضرر از آنجا که یک حکم امتنانی را دربردارد، در مواردی که یک حکم موجب ضرر به یک نفر و سود به شخص دیگر شود، بر آن دلیل حاکم خواهد بود. لذا وجوب احترام والدین و ممنوعیت ضرب و شتم آنان تا جایی که موجبات زیان شدید بر فرزند را فراهم آورده و پدر در صدد قتل فرزند خود باشد، محکوم لاضرر خواهد بود. در واقع در این فرض وجوب حفظ حرمت والدین و ممنوعیت ضرب و جرح آنان از آنجا که موجب ضرر جانی به فرزند است، برداشته خواهد شد.

۵- حرمت تعاون بر اثم

بر هیچ کس جایز نیست به ناحق دیگری را به قتل رساند حتی پدر نسبت به فرزند لذا قتل فرزند توسط پدر امری مباح تلقی نمی شود بلکه از مصادیق اثم و عدوان است ولی پدر به دلیل خاص، در قبال این اثمی که انجام می دهد قصاص نمی شود اگر پدر قصد قتل فرزندش را داشته باشد و فرزند اجازه دفاع از جان خودش را نداشته باشد به این معناست که در تحقق این اثم توسط پدر، معاونت و همراهی دارد حال آنکه تعاون بر اثم طبق آیه (ولا تعاونوا علی الاثم و العدوان) جایز نیست. به عبارت دیگر فرزند با عدم دفاع از خود در واقع اقدام به همراهی با فعل مجرمانه پدر می کند و به وی در تحقق قصد خود که ارتکاب قتل می باشد کمک می کند و از آنجا که قتل عمدی از جمله گناهان کبیره محسوب می شود و عنوان «إثم» بر آن صادق است عدم دفاع فرزند از خود نیز إعانه بر این فعل می باشد و به تبع حرام خواهد بود. (بجنوردی، ۱۴۲۳، ۳۴۵/۲)

قول دوم: تقدم ادله لزوم احترام به والدین

ادله لزوم احترام به والدین بر ادله دفاع مشروع تقدم دارد؛ بنابراین چنانچه پدری قصد تهاجم و حمله به سوی فرزند خود را داشته باشد فرزند حق دفاع از خود را نداشته و در صورت اقدام به دفاع و ایراد ضرب یا جرح و یا حتی قتل ضامن بوده و مستوجب قصاص

خواهد بود.

به عبارت دیگر در اینصورت واکنش فرزند در مقابل تهاجم پدر به لحاظ شرع، دفاع مشروع نبوده و چنانچه فرزند اقدام به قتل پدر خود کند بر طبق عمومات و اطلاعات باب قصاص، اولیای دم مقتول حق قصاص فرزند را خواهند داشت.

دلایل:

۱- اطلاعات ادله لزوم احترام به والدین

اطلاقات باب لزوم احترام به والدین دلالت بر این مطلب دارد که احسان به پدر و مادر در همه حال واجب خواهد بود و فرقی هم نمی کند که پدر و مادر مسلمان هستند یا غیر مسلمان، با فرزند خود به نیکی رفتار می کنند یا نمی کنند، به فرزند خود ظلم می کنند یا نمی کنند. بنابراین اطلاعات مزبور در مقام بیان جایگاه رفیع و عظیم والدین از منظر شرع مقدس می باشد که فرزند حق هیچ گونه بی احترامی به آنان را ندارد و باید در همه احوال و زمان ها به پدر و مادر خود احسان کند؛ البته احسان کردن به والدین تا زمانی لازم و واجب خواهد بود که احسان و اطاعت از آنان منجر به مخالفت با اوامر الهی و تشریک نشود.

فلذا فرزند قادر نخواهد بود که به استناد ادله دفاع مشروع اقدام به ضرب و یا حتی قتل پدر خود شود، در همین زمینه روایتی از امام صادق (ع) در مورد تفسیر معنای احسان و عدم جواز ضرب والدین وارد شده است که نشان از این دارد که فرزند حق ضرب در مقام دفاع از خود را ندارد و بنابر قیاس اولویت حق قتل را نیز نخواهد داشت.

« از ابوعبدالله (علیه السلام) درباره فرموده خداوند متعال که می فرماید: «و به پدر و مادر نیکی کنید.» پرسیدم. این نیکی چیست؟ فرمود: «نیکی آن است که با آنها به نیکی رفتار کنی و آنها را مجبور نکنی که از تو چیزی بخواهند، هر چند خودشان بی نیاز باشند.» آیا خداوند متعال نمی فرماید: «هرگز به نیکی نمی رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید.» سپس ابوعبدالله (علیه السلام) فرمود: اما درباره فرموده خداوند متعال که می فرماید: «اگر یکی از آنها یا هر دوی آنها نزد تو به پیری رسیدند، به آنها کلمه ای ناپسند نگو و آنها را از خود نران.» فرمود: «اگر تو را آزار دادند، به آنها کلمه ای ناپسند نگو و اگر تو را زدند، آنها را از خود نران.» فرمود: «و با آنها سخنی پسندیده بگو.» فرمود: «اگر تو را زدند، به آنها بگو: خدا شما را بیمارزد.» این سخنی بزرگوارانه از جانب توست. فرمود: بال فروتنی را از روی رحمت برای آنها فرود آور. فرمود: از نگاه کردن به آنها خسته نشو، مگر با رحمت و مهربانی، و

صدایت را از صدای آنها بلندتر نکن، و دستت را از دست آنها بالاتر نبر، و از آنها جلوتر نرو.»^۱
(کلینی، ۱۴۰۶، ۱۵۷/۲)

بر اساس قسمت اخیر روایت چنانچه والدین اقدام به اذیت و ضرب فرزند خود کرده باشند امام(ع) دستور داده اند که مطابق آیه شریفه « قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا » با آنان به مهربانی سخن گفته شود و این دلالت دارد بر اینکه فرزند حق هیچ گونه سخن درشت را نخواهد داشت چه برسد به ضرب و یا قتل آنان، که به طور قطع چنین اقدامی جایز نخواهد بود.

۲- اطلاعات ادله معافیت پدر از قصاص

دلیل دیگر بر عدم جواز دفاع مشروع در برابر پدر، اطلاعات روایات باب معافیت پدر از قصاص می باشد، نحوه استدلال بدین صورت می باشد که از آنجایی که پدر در صورتی که اقدام به قتل فرزند خود کند از مجازات قصاص معاف خواهد شد بنابراین از عدم امکان قصاص پدر مستفاد می گردد که حفظ جان پدر از منظر شارع دارای اهمیت بسیاری می باشد که حتی با قتل فرزند خود نیز جان وی محفوظ خواهد بود، لذا فرزند نمی تواند به استناد ادله دفاع مشروع به اقدام متقابل پرداخته و پدر خود را به قتل برساند.

۳- فتاوی فقهاء امامیه

فقهاء امامیه معتقدند که مطابق با ادله معافیت پدر از قصاص و ادله لزوم احترام به والدین، چنانچه فرزند اقدام به قتل پدر خود کند در هر صورت (چه در مقام دفاع باشد یا نباشد) به واسطه کشتن پدر خود قصاص خواهد شد و حکم به قصاص دال بر عدم جواز دفاع مشروع و دال بر عدم مجاز بودن چنین قتلی می باشد و همچنین فرزند حق ضرب و جرح را نیز نخواهد داشت زیرا بنابر روایات و آیات لزوم احترام به والدین کمترین بی احترامی (اف) به پدر و مادر نباید صورت بگیرد. (نجفی، ۱۴۱۲، ۱۷۰/۴۲؛ روحانی، ۱۳۸۲، ۵۰/۲۶)

^۱ « عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ عِيسَى وَ عَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ الْحَنَاطِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا مَا هَذَا الْإِحْسَانُ فَقَالَ الْإِحْسَانُ أَنْ تُحْسِنَ صَحَّتَهُمَا وَ أَنْ لَا تَكْلِفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئًا مِمَّا يَخْتَاجَانِ إِلَيْهِ وَ إِنْ كَانَا مُسْتَغْنَيْنِ أَلَيْسَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَّا قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا قَالَ إِنْ أَضْجَرَكَ فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا إِنْ ضَرَبَاكَ قَالَ: وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا قَالَ إِنْ ضَرَبَاكَ فَقُلْ لَهُمَا غُفَرَ اللَّهُ لَكُمَا فَذَلِكَ مِنْكَ قَوْلٌ كَرِيمٌ قَالَ: وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ قَالَ لَا تَمَلْ عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَ رِقَّةٍ وَ لَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصَوَاتِهِمَا وَ لَا يَدَّكَ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا وَ لَا تَقْدَمْ قَدَامَهُمَا »

در رابطه با وجوب حفظ حرمت والدین محقق اردبیلی اینگونه می نویسد:
 «عقل و نقل دلالت بر حرمت عقوق و وجوب پیروی از والدین دارند» (محقق اردبیلی، بی تا، ۳۸۰)

شهید اول در رابطه با ایذاء والدین و حرمت آن معتقد است:
 «بر فرزند واجب است که از آزار والدین - هرچند اندک - دست شوید به گونه ای که هیچ گاه به آنان آزار نرساند» (شهید اول، ۱۴۱۰، ۴۸/۲)
 ممکن است اشکال شود که عبارت فوق دال بر حرمت ایذاء والدین است و ربطی به اطاعت و لزوم احترام به والدین ندارد، به عبارت دیگر ممکن است که فرزندی از والدین خود تبعیت نکند و به آنان احترام نگذارد اما ایذاء آنان نیز نکرده باشد فلذا ملازمه ایی میان آن دو نخواهد بود.

در پاسخ باید گفت که مطابق آیه تأفیف، سخن گفتن فرزند باید به نحو شایسته باشد و در اصطلاح قرآنی باید «قول کریم» باشد تا کمترین بی احترامی به والدین صورت نگیرد؛ بنابراین به طریق اولی (قیاس اولویت) فرزند در رفتار خود با پدر و مادر باید به نحو شایسته رفتار کند و از هرگونه عملی که منجر به بی حرمتی به آنان شود، خودداری کند و عدم تبعیت از والدین و ایذاء آنان توسط فرزند مصداقی از بی حرمتی می باشد که عرف و وجدان هر انسانی گواه بر آن می باشد. بدین ترتیب، می توان نتیجه گرفت که ایذاء والدین مصداقی از بی حرمتی به والدین می باشد همان طور که عدم اطاعت از آنان مصداق بی احترامی است، موید این نظر فتاوی فقهایی است که عمل بر طبق دستورات والدین را مصداق احسان به آنان دانسته و حکم به وجوب تبعیت از آن داده اند. (سبزواری، ۱۴۱۳، ۳۰۹/۱)

محقق نائینی در بحث امر والدین به فرزند در رابطه با شرکت در نماز جماعت می نویسد:

«أقوی آن است که نماز جماعت با دستور والدین نسبت به آن واجب نمی شود... بلکه آنچه مسلم است، حرام بودن ایذای آن دو به واسطه ضرب و شتم و ... است.» (نائینی، ۱۴۱۱، ۳۵۸/۲)

در این فتوا محقق نائینی به صراحت فتوا بر حرمت ضرب و شتم والدین داده است زیرا که چنین اقدامی را مصداق ایذاء آنان و به تبع مصداقی از بی احترامی به والدین تلقی کرده است؛ با توجه به فتوای مزبور می توان فهمید که خصوصیتی در ضرب و شتم نبوده و مثال های یاد شده از باب تمثیل می باشد. بر همین بنیان، بنابر قیاس اولویت می توان فتوا مزبور را به قتل پدر توسط فرزند تسری داد زیرا که به طور قطع کشتن

پدر یا مادر مصداق کامل و اتمّ ایذاء والدین است.

۵- نظریه مختار

در مورد پدر و مادر در ادله نقلی، چهار عنوان حرام و چهار عنوان واجب بیان شده است که فرزند می‌بایست آن‌ها را در مورد پدر و مادر خویش رعایت نماید.

عناوین حرام عبارتند از:

حرمة التأفیف، حرمة ضرب و شتم، حرمة عقوق، حرمة اسباب خشم پدر و مادر و...

عناوین واجب نیز از این قرارند:

وجوب همزیستی مسالمت آمیز، وجوب نیکی به والدین، وجوب تشکر از زحمات آنان، لزوم تحصیل رضایت آنان

با توجه به این عناوین متعدد و کثرت و تعدد آنها در آیات و روایات، در ذهنیت متشرعه نسبت به والدین یک مقام و خصوصیتی نقش می‌بندد که ادله دفاع مشروع را از ابتدا محفوف بما یحتمل القرینیه دانسته و این ارتکاز متشرعه، اطلاقی برای ادله دفاع مشروع قائل نیست و این ادله را منصرف از پدر و مادر می‌داند.

با این بیان، ادله دفاع مشروع قصور در مقتضی داشته و اطلاقی نداشته تا بتواند در مقابل اطلاقات ادله احترام والدین قد علم کرده و معارضه نماید.

با اندکی تسامح اگر اطلاق ادله دفاع مشروع را بپذیریم مسلماً در مقام تعارض این دو دلیل، ادله احترام از شهرت و کثرت بیشتر برخوردار است و بر ادله دفاع ترجیح می‌یابد و چنانچه ترجیح مذکور را نپذیریم در مقام معارضه این دو دلیل قائل به تساقط شده و لازم است در این زمینه به ادله فوقانی که قابل تطبیق با موضوع بحث است مراجعه شود و آن حرمت مطلق ایذاء دیگران است که بر پدر و مادر قابل انطباق است و دفاع در مقابل پدر و مادر از مصادیق ایذاء آنهاست و منهی عنه است.

نتیجه‌گیری

دفاع در برابر تهاجم، امری مطلوب و منطبق با فطرت انسانی است. مطلوبیت این دفاع در برخی مصادیق، مورد تردید واقع شده و محل بحث و نزاع واقع گشته است. اگر مهاجم، قصد کشتن فرزند خود را داشته باشد از طرفی ادله دفاع مشروع به فرزند اجازه می‌دهد از خود دفاع کند و در مراتبی از دفاع ممکن است ناچار به بی‌احترامی و تعرض به پدر خود شود.

از طرف دیگر ادله لزوم احترام والدین به فرزندان اجازه نمی‌دهد که کمترین بی‌احترامی به والدین خود ابراز دارند. در این میان فرزند بر سر دو راهی قرار گرفته و مردد است که آیا به ادله دفاع مشروع عمل کند یا احترام والدین را حفظ کند

برای تقدم دليل دفاع مشروع بر ادله احترام و بالعکس دلائلی بیان شده است که در نهایت، نویسندگان معتقد است با استناد به ارتکاز متشرعه و کثرت و تعدد ادله احترام والدین و علو مرتبه و جایگاه والدین نزد شارع، لازم است ادله احترام مقدم شمرده شود و دفاع فرزند در مقابل پدر اگر مستلزم بی احترامی به آنان شود مجاز نمی باشد.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: نشر دار الصادر
- ۴- ابهری، حمید؛ فرزندگان، محمد؛ ظهوری، سمیه (۱۳۹۶). بررسی فقهی و حقوقی مفهوم و شرایط اضطرار و تأثیر آن در مسؤولیت مدنی. فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۵۰
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۷). ترمینولوژی حقوق. تهران: نشر گنج دانش
- ۶- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا). وسائل الشیعه. قم: نشر موسسه آل البيت لإحياء التراث
- ۷- روحانی، صادق (۱۳۸۲). فقه الصادق (ع). تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه
- ۸- سبزواری، سید عبد العلی (۱۴۱۳). مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام. قم: نشر دار التفسیر
- ۹- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴). تهذیب الاحکام. تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه
- ۱۰- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰). اللمعه دمشقیه فی الفقه الامامیه. بیروت: نشر دار التراث الدار الاسلامیه
- ۱۱- عوده، عبدالقادر (بی تا). التشريع الجنائي مقارناً بالقانون الوضعی. بیروت: نشر دار الکاتب العربی
- ۱۲- عطار، عبدالله (۱۴۱۲). التجاوز و الدفاع الشرعی. بیروت: نشر دار الکاتب العربی
- ۱۳- فتال نیشابوری، محمد بن أحمد (۱۳۷۵). روضه الواعظین و بصیرة المتعظین. قم: انتشارات رضی
- ۱۴- قیومی، أحمد بن محمد بن علی (۱۴۱۲). مصباح المنیر. دمشق: نشر مکتبه العصریه
- ۱۵- کاظمی خراسانی، محمد علی (۱۴۱۱). کتاب الصلاة (تقریر درس میرزای نائینی). قم: نشر موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین
- ۱۶- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۷). الفروع الکافی (تصحیح علی اکبر غفاری). تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه
- ۱۷- مظفر، محمد رضا (۱۳۸۳). اصول فقه. قم: نشر موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین
- ۱۸- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۸). تحریر الوسیله. قم: انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ۱۹- نجفی، محمد حسن (۱۴۱۲). جواهر الکلام فی الشرح شرایع الاسلام. بیروت: نشر دار الإحياء التراث العربی

